

«ما رواه الشيخ في التهذيب في باب النفر من منى عنه (عليه السلام) في حديث قال فيه: «فان الله عز و جل يقول: « فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ » فلو سكت لم يبق أحد إلا تعجل لكنه قال و من تأخر فلا اثم عليه»^۱

توضیح:

۱. درباره کوچ کردن از منی در ایام حج، حضرت به آیه قرآن اشاره می کنند:
۲. در این آیه، خدای متعال فرموده است: «خدا را در روزهای معینی (۱۱/۱۲/۱۳ ذی الحجه) یاد کنید. کسانی که تعجیل کنند و ذکر خدا را در ۲ روز انجام دهند، گناهی بر آنها نیست و کسانی که تأخیر کنند و این کار را در ۳ روز انجام دهند، گناهی بر آنها نیست»
۳. حضرت صادق (ع) درباره آیه می فرماید: «اگر خدای سبحان عبارت دوم را نیاورده بود و نفرموده بود «و من تأخر فلا اثم عليه»، هیچ کس روز ۱۳ نمی ماند (چرا که مردم از جمله اول مفهوم گیری می کردند و چنین می فهمیدند که اگر تعجیل نکنند گناه کار هستند)

ما می گوئیم:

۱. چون استدلال امام (ع) کامل است، در نتیجه باید گفت که چون این استدلال تنها در صورتی تمام است که بگوئیم متفاهم عرفی مردم آن بوده است که از جمله شرطیه اول، مفهوم گیری می کرده اند. پس حتماً عرف هم همین را می فهمیده اند.
۲. مرحوم صاحب فصول، علیرغم اینکه به استدلال به روایات پاسخ گفته است، ظاهراً استدلال به این روایت را پذیرفته است، چرا که به این استدلال پاسخ نگفته است^۲
۳. اما درباره دلالت این روایت می توان گفت که:

ما سابقاً گفته بودیم که اگر جایی اطلاق مقامی در میان باشد یعنی اگر توانستیم احراز کنیم که گوینده در مقام بیان تمام شرط هایی است که می خواهد برای حکم مطرح کند، می توانیم قائل به مفهوم شویم. و حق آن است که آیه شریفه ای که درباره حج است، با قرینه آیات قبل در مقام بیان تمام مراد خود و در مقام اطلاق مقامی است. پس مفهوم در این آیه، نمی تواند دال بر وجود مفهوم در همه جملات شرطیه باشد.

۱. حدائق الناظره، ج ۱، ص ۵۸

۲. الفصول الغرویه، ص ۱۵۰ به نقل از مباحث الاصول، ج ۳، ص ۲۰۹



این پاسخ را اگرچه با بیان و تقریری جدید مطرح کردیم ولی کلیت آن را از کلام مرحوم سید عبدالصاحب حکیم در مباحث الاصول استفاده کرده‌ایم.^۱

روایت سوم)

«ما رواه فی الکافی و الفقیه عن عبید بن زرارة قال: قلت لأبی عبد الله (علیه السلام) قوله تعالى فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ قال: ما أبینها من شهد فليصمه و من سافر فلا يصمه»^۲

توضیح:

۱. درباره روزه ماه رمضان، حضرت صادق (ع) به آیه: «شریفه هرکس در ماه رمضان حاضر بود، روزه بگیرد» استناد کرده‌اند و فرموده‌اند:

۲. «چه خوب بیان کرده است؛ هرکس حاضر است، روزه بگیرد و هر کس مسافر است، روزه نگیرد.»

ما می‌گوییم:

۱. اگر نبود تعبیر «ما اینها»، می‌توانستیم بگوییم که آیه شریفه مطابق اصل اولیه، از حیث مفهوم مجمل است (نه اینکه دلالت بر عدم مفهوم داشته باشد) و حضرت خواسته‌اند بگویند اتفاقاً حکم الهی در این مورد به گونه‌ای است که مطابق با مفهوم جمله شرطیه است. (یا می‌توانیم بگوییم حضرت می‌خواهند بگویند، در این مورد خاص به قرینه خاصه، جمله شرطیه مفهوم دارد)

۲. ولی تعبیر «ما اینها» به گونه‌ای است که گویا این معنی از نفس جمله شرطیه فهم می‌شود.

۳. «ان قلت: مفهوم «اگر کسی حاضر بود باید روزه بگیرد» آن نیست که «اگر مسافر بود، باید روزه نگیرد»، بلکه مفهوم آن است که «اگر حاضر نبود، روزه بر او واجب نیست»

قلت: اولاً حضر و سفر متناقض هستند و لذا کسی که حاضر نیست، مسافر است. و ثانیاً، اینکه گفته می‌شود «لا یصمه» اگرچه نهی است ولی «نهی در مقام توهّم وجوب» است که دال بر اباحه است. (مثل اینکه می‌گوییم مفهوم «ان جائك زيدٌ فاکرمه»، «ان لم یجئک فلا تکرمه» است که مراد آن است که «اکرام واجب نیست» و نه اینکه «اکرام حرام است»

۴. اما ممکن است ان يقال که این آیه و آیات قبل آن در مقام بیان تمام فروض مسئله روزه ماه رمضان هستند و لذا در آیه‌ها چون اطلاق مقامی در میان است، لذا می‌توان با وجود «اطلاق مقامی»، مفهوم‌گیری کرد (به این بیان که بگوییم: آیه در مقام بیان تمام صورت‌هایی است که در آنها روزه واجب است و چون

۱. مباحث الاصول، ج ۳، ص ۲۱۰

۲. حدائق الناضرة، ج ۳، ص ۵۸



غیر از «حضور» چیزی را نگفته است، پس معلوم می‌شود که اصلاً چیزی دیگر - از جمله سفر - شرطیت ندارد.)

اللهم الا ان يقال: این دلیل ناشی از اطلاق مقامی است که مربوط به کل کلام است و نه مربوط به آیه شریفه «من شهد...» در حالیکه ظهور روایت، در آن است که همین آیه، دال بر «عدم وجوب روزه برای مسافر» است. (توجه شود که اطلاق مقامی، ناشی از ظهور نیست چراکه اطلاق مقامی از عدم لفظ، معنی را ثابت می‌کند)

۵. اصف الی ذلک: ادامه آیه، حکم مسافر را معلوم می‌کند و می‌فرماید: «و من کان مریضاً او علی سفر»، پس گویی مفهوم در آیه شریفه، ناشی از قرینه خاصه (و نه اطلاق مقامی) است که همانا ادامه آیه شریفه است. (یا اینکه بگوییم، بیان حضرت، اصلاً ناظر به مفهوم نیست، بلکه ادامه آیه شریفه را که منطوق است، مورد اشاره قرار داده‌اند)

۶. ظاهراً صاحب فصول، استدلال به این روایت را پذیرفته است چرا که علی‌رغم طرح استدلال، از آن پاسخ نمی‌دهد.^۱



۱. ن.ک: الفصول الغرویه، ص ۱۵۰، به نقل از مباحث الاصول، ج ۳، ص ۲۰۹